با ایران توشه
یک قدم جلوتر
باش!

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت



ایران توشه، مرجع دانلود فایل های کمک آموزشی دانش آموزان و کنکوری ها

همه چیز
برای موفقیت
تو!

- دانلود رایگان آزمون های آزمایشی قلمچی، خیلی سبز، گاج و ...
- دانلود رایگان گام به گام تمامی دروس
- دانلود رایگان نمونه سوالات امتحانی (نوبت اول و دوم) و امتحانات نهایی
- دانلود رایگان جزوه های کمک آموزشی و شب امتحانی

کافیست هر فایلی که نیاز دارید را در گوگل به این صورت جستجو کنید:

فایل مورد نیاز + ایران توشه

مثال:

دانلود گام به گام دوازدهم تجربی ایران توشه



irantooshe.ir

t.me/irantooshe

گام به گام فارسی ۲ پایهٔ یازدهم
فصل چهارم

عنوان فصل: ادبیات سفر و زندگی

از صفحه‌ی ۶۵ تا صفحه‌ی ۸۶ کتاب

در این فایل پاسخ فعالیت‌ها، کارهای کلاسی، تمرین‌ها و پرسش‌های فصل ادبیات سفر و زندگی آمده است.

مباحث فصل: در کوی عاشقان، ذوق لطیف، میثاق دوستی

تهیه‌شده در ایران‌توشه، توشه‌ای برای موفقیت

irantooshe.ir

فهرست پرسش‌ها

۱ صفحه ۷۲ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی — در کوی عاشقان ... ۴

۲ صفحه ۷۲ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی — در کوی عاشقان ... ۴

۳ صفحه ۷۳ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری — در کوی عاشقان ... ۵

۴ صفحه ۷۹ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی — ذوق لطیف ... ۶

۵ صفحه ۷۹ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی — ذوق لطیف ... ۷

۶ صفحه ۸۰ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری — ذوق لطیف ... ۸

۷ صفحه ۸۵ · درک و دریافت — میثاق دوستی ۸

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۱ صفحه ۷۲ کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی

۱. واژهٔ «مرشد» در متن درس، به چه معنایی است؟

۲. چهار ترکیب اضافی که اهمیت املایی داشته باشد، از متن درس بیابید و بنویسید.

۳. گاه، واژه از نظر نقش دستوری، پیرو گروه اسمی پیش از خود است؛ به این‌گونه نقش‌ها در اصطلاح، «نقش‌های تبعی» می‌گوییم:

معطوف: واژه یا واژه‌هایی که بعد از حرف عطف «و» می‌آید. مثال: مریم و زهرا آمدند.

بدل: واژه یا واژه‌هایی که واژه یا واژه‌های قبل از خود را توضیح می‌دهد. مثال: مریم، خواهر زهرا، به خانه آمد.

تکرار: واژه یا واژه‌هایی که در یک نقش، دو بار در جمله تکرار می‌شود. مثال: مریم آمد، مریم.

اکنون برای کاربرد هریک از نقش‌های تبعی، مثال مناسب بنویسید.

معطوف: .... بدل: .... تکرار: ....

1. «مرشد» یعنی راهنما و هدایت‌کننده؛ کسی که مراحل سیروسلوک را پشت سر گذاشته و رهرو را به راه حق راهنمایی می‌کند (همان «پیر» و «راهبر»). در متن درس، شمس‌الدین تبریزی «پیر و مرشد» مولانا شمرده شده است.
2. آوازهٔ تقوا - مناسک حج - علوم شریعت - خورشید عمر (نمونه‌های دیگر: مجالس وعظ، آفتاب عشق، شمس حقیقت). در این ترکیب‌ها املای «تقوا»، «مناسک»، «شریعت»، «خورشید» و «وعظ» اهمیت دارد.
3. معطوف: علی و حسن به مدرسه رفتند. («حسن» معطوف به «علی» است.) بدل: حافظ، شاعر بزرگ شیراز، غزل‌های ماندگاری سروده است. («شاعر بزرگ شیراز» بدل برای «حافظ» است.) تکرار: کتاب را خواندم، کتاب را. (یا: رضا آمد، رضا.)

این فایل توسط سایت ایران‌توشه تهیه شده است.
irantooshe.ir
توشه ای برای موفقیت

۲ صفحه ۷۲ کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی

۱. برای کاربرد هر آرایهٔ زیر، نمونه‌ای از متن درس بیابید.

واج‌آرایی: (.....)

حس‌آمیزی: (.....)

تشبیه: (.....)

۲. بخش مشخص‌شده در سروده‌ی زیر، بیانگر کاربرد کدام آرایهٔ ادبی است؟ دلیل خود را بنویسید.

بیداری زمان را با من بخوان به فریاد

ور مرد خواب و خفتی، «رو سر بنه به بالین، تنها مرا رها کن»

محمدرضا شفیعی کدکنی

1. واج‌آرایی: «مرا به گور سپاری مگو وداع وداع / که گور پرده جمعیت جنان باشد» (تکرار صامت‌های «گ» و «ر» و مصوت «و»). حس‌آمیزی: «غزل‌های گرم و پرسوز» (آمیختن حس شنوایی «غزل» و حس لامسه «گرم»). تشبیه: «آفتاب عشق و شمس حقیقت» یا «خورشید عمر مولانا» (عشق و عمر به خورشید مانند شده‌اند؛ اضافهٔ تشبیهی).

2. آرایهٔ «تضمین». دلیل: شفیعی کدکنی مصراع «رو سر بنه به بالین، تنها مرا رها کن» را که از غزل مولوی است، به همان صورت در سروده‌ی خود آورده و آن را درون نشانهٔ نقل‌قول گذاشته است؛ آوردن بخشی از سخن شاعری دیگر در شعر خود، تضمین نام دارد.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

---

۳ صفحه ۷۳ **کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری**

۱. دربارهٔ اصطلاحات «پیر» و «مراد» و پیوند آن با زندگی مولوی توضیح دهید.

۲. با توجه به متن درس، به اعتقاد مولانا، چه چیزی را باید مایهٔ دریغ و افسوس دانست؟

۳. کدام بیت درس، با این سروده‌ی حافظ، ارتباط معنایی دارد؟ پیام مشترک آنها را بنویسید.

چنین قفس نه سزای چو من خوش‌الحانی است

روم به گلشن رضوان که مرغ آن چمنم

۴. بیت زیر، بیانگر چه دیدگاهی است؟

کدام دانه فرو رفت در زمین که نرُست؟

چرا به دانهٔ انسانت این گمان باشد؟

۵. بر مبنای متن درس، خلق‌وخوی مولانا را با این آیات قرآن کریم که به حضرت موسی و حضرت هارون خطاب است، مقایسه کنید.

«اِذهَبا اِلی فِرعَونَ اِنَّهُ طَغی. فَقُولا لَهُ قَولًا لَیِّنًا ...» (سورهٔ طه، آیهٔ ۴۳ و ۴۴)

۶. .....

1. «پیر» به راهنمای سالک می‌گویند؛ کسی که راه و رسم سیروسلوک و معرفت الهی را پیموده و دیگران را هدایت می‌کند و «مراد» کسی است که مرید (رهرو) به او روی می‌آورد و پیروی از او را می‌خواهد. مولانا تا پیش از دیدار شمس، خود استاد و دانشمند علوم دینی بود و شاگردان و پیروان بسیار داشت؛ اما همواره در طلب مردان خدا بود. چون شمس‌الدین تبریزی را دید، او را پیر و مراد خود یافت؛ زانوی ادب در برابرش زد، تدریس و وعظ را رها کرد و نوآموز و مرید او شد.

2. از دید مولانا، مرگ مایهٔ دریغ نیست؛ مرگ رسیدن به وصال و آزادی جان است. آنچه سزاوار دریغ و افسوس است، گرفتار شدن در دام دیو (نفس و شیطان) و دور ماندن از حقیقت است: «به دام دیو درافتی دریغ آن باشد».

3. بیت «تو را غروب نماید ولی طلوع بود / لحد چو حبس نماید خلاص جان باشد» (و نیز «دهان چو بستی از این سو، در آن طرف بگشا / که های و هوی تو در جوّ لامکان باشد») با بیت حافظ ارتباط دارد؛ مولانا قبر را «حبس» و مرگ را «خلاص جان» می‌داند و حافظ دنیا را «قفس» می‌شمارد. پیام مشترک: جان آدمی مرغی از باغ ملکوت و عالم بالاست و دنیا و تن برایش قفس است؛ پس عارف از مرگ نمی‌هراسد، بلکه آن را رهایی از قفس و بازگشت به اصل خود (گلشن رضوان) می‌داند.

4. این بیت بیانگر دیدگاه مولوی دربارهٔ مرگ و رستاخیز است: همان‌گونه که هر دانه‌ای که در دل خاک می‌رود، می‌روید و سر برمی‌آورد، انسان نیز با مرگ نابود نمی‌شود؛ مرگ پایان نیست و دریچه‌ای به زندگی دوباره و جاودانه است.

5. خداوند به موسی و هارون فرمان می‌دهد که نزد فرعون، آن طغیانگر، بروند و با او نرم و ملایم سخن بگویند. مولانا نیز طبق متن درس بردبار و دارای تحمل بسیار بود؛ طعن و ناسزای دشمنان را هرگز پاسخ تلخ نمی‌داد و با نرمی و حسن خلق، آنان را به راه راست می‌آورد. پس رفتار او با آموزهٔ قرآنی «قول لین» (سخن نرم) هم‌خوان است.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

این فایل توسط سایت ایران‌توشه تهیه شده است.

irantooshe.ir

۴ صفحه ۷۹ **کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی**

۱. مترادف هر واژه را بنویسید.

مفاتیح (.....)

مستقر (.....)

متمکّن (.....)

۲. از متن درس، چهار ترکیب وصفی که اهمیت املایی دارند، بیابید و بنویسید.

۳. نمونه‌ای از کاربرد نقش تبعی «بدل» را در متن مشخص کنید.

۴. در بند دوم درس، در کدام جمله‌ها، «مفعول» دیده می‌شود؟ «نهاد» این جمله‌ها را مشخص کنید.

---

1. مفاتیح: کلیدها (جمع مفتاح) مستقر: جای‌گرفته، ثابت و پابرجا متمکّن: توانگر، دارا و ثروتمند

2. ذوق لطیف - قصه‌های اصیل - سبک مسجع - فصول ملایم (نمونه‌های دیگر: مشیّت الهی، مسائل روزمره).

3. «این شیخ همیشه شاب، پیرترین و جوان‌ترین شاعر زبان فارسی، معلّم اوّل من ...»؛ در این جمله «پیرترین و جوان‌ترین شاعر زبان فارسی» و «معلّم اوّل من» بدل‌اند و دربارهٔ «این شیخ همیشه شاب» (سعدی) توضیح می‌دهند.

4. جمله‌های دارای مفعول در بند دوم: • «او نیز مانند مادرم توکّلی داشت»: مفعول: توکّلی؛ نهاد: او. • «(توکّلی) که به او مقاومت و استحکام اراده می‌بخشید»: مفعول: مقاومت و استحکام اراده؛ نهاد: «که» (توکّل). • «(منبع ایمان) که خوب و بد را ... می‌پذیرفت»: مفعول: خوب و بد؛ نهاد: «که» (منبع بی‌شائبهٔ ایمان). • «که پیشامد ناگوار را فاجعه‌ای بینگارد»: مفعول: پیشامد ناگوار؛ نهاد: او (شناسهٔ فعل «بینگارد»).

۵ صفحه ۷۹ کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی

۱. کدام عبارت درس، به ویژگی سهل و ممتنع بودن سبک سعدی اشاره دارد؟

۲. به بیت زیر از سعدی توجه کنید:

من در میان جمع و دلم جای دیگر است

هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای؟

همان‌طور که می‌بینید واژه‌های «حاضر» و «غایب»، هم‌زمان، به پدیده‌ای واحد نسبت داده شده‌اند و به بیان دیگر، غایب، صفت حاضر، واقع شده است. به نظر شما چنین امری ممکن است؟

انسانی که حاضر است، نمی‌تواند غایب باشد؛ چون این دو صفت، متناقض‌اند؛ یعنی جمع شدن آنها با هم ناممکن است؛ چون هر یک، وجود دیگری را نقض می‌کند؛ با این‌حال، شاعر چنان آن دو را هنرمندانه، در کلام خود به کار برده است که زیبا، اقناع‌کننده و پذیرفتنی می‌نماید. به این‌گونه کاربرد مفاهیم متضاد، آرایهٔ «متناقض‌نما» (پارادوکس) می‌گویند.

آرایهٔ متناقض‌نما را در دو سروده‌ی «قیصر امین‌پور» بیابید.

الف) کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق

بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی

ب) بارها از تو گفته‌ام از تو بارها از تو، بارها با تو

ای حقیقی‌ترین مجاز، ای عشق! ای همه استعاره‌ها با تو

1. عبارت: «این تنها، خصوصیت سعدی است که سخنش به سخن همه شبیه باشد و به هیچ‌کس شبیه نباشد. در زبان فارسی، احدی نتوانسته است مانند او حرف بزند و در عین حال، نظیر حرف زدن او را هر روز در هر کوچه و بازار می‌شنویم.» (سخن او ساده و آشناست، اما هیچ‌کس نمی‌تواند مانند آن را بیاورد.)

2. الف) «آرامشِ طوفانی»: آرامش و طوفان دو مفهوم متضادند که در یک ترکیب آمده‌اند. ب) «حقیقی‌ترین مجاز»: حقیقت و مجاز با هم ناسازگارند، اما شاعر عشق را هم‌زمان هر دو دانسته است. (پاسخ پرسش بالا: از نظر منطقی ممکن نیست، اما در هنر شاعری، پذیرفتنی و زیباست.)

۶ صفحه ۸۰ کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری

۱. نویسنده برای قصه‌های ایرانی چه ویژگی‌هایی را برمی‌شمارد؟

۲. معنی و مفهوم جمله‌های زیر را بنویسید.

• سراچهٔ ذهنم آماس می‌کرد.

• از فرط هیجان لُکّه می‌دویدم.

۳. درک و دریافت خود را از عبارت زیر بنویسید.

هر عصب و فکر به منبع بی‌شائبهٔ ایمان وصل بود که خوب و بد را به عنوان مشیّت الهی می‌پذیرفت.

۴. دربارهٔ ارتباط بیت پایانی و متن درس توضیح دهید.

۵. .....

1. قصه‌های ایرانی «بسیار اصیل» و ریشه‌دارند؛ «پررنگ و نگار»، «پرّان» (پروازگونه و پرتخیل) و «نرم» هستند و از جهان افسانه‌ها آمده‌اند. این قصه‌ها را نسل‌به‌نسل از زبان بزرگ‌ترها (مادربزرگ و خاله) می‌شنیدند و برای کودک شیرین و جذاب بودند.

2. • سراچهٔ ذهنم آماس می‌کرد: خانهٔ کوچک ذهنم از فرط تصویر و خیال، پر و متورّم می‌شد؛ یعنی ذهنم از خواندن سعدی و دیدن تصویرها لبریز می‌گشت. • از فرط هیجان لُکّه می‌دویدم: از شدت شوق و شادی، مانند حیوانی خوش‌حال، با جست‌وخیز و بی‌اختیار می‌دویدم.

3. یعنی ذهن و روان خالهٔ نویسنده به ایمان متّصل بود و هر خوب و بد را خواست و حکمت خدا می‌دانست و می‌پذیرفت؛ به همین دلیل دچار بحران‌ها و اضطراب‌های عصبی نمی‌شد و در برابر ناگواری‌ها آرام و استوار می‌ماند.

4. نویسنده می‌گوید چون مربّی کارآزموده‌ای نداشت، تنها با آموختن از آثار بزرگ (به‌ویژه سعدی) و خودآموزی، به‌صورت کورمال‌کورمال، راه ادبیات را پیمود و همین ره‌نوردی تنهاوار او را به نوشتن رساند؛ بیت پایانی نیز بر همین خودآموزی و راه رفتن بی‌استاد تأکید دارد.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۷ صفحه ۸۵ درک و دریافت

۱. نوع ادبی متن روان‌خوانی را با ذکر دلیل بنویسید.

۲. دربارهٔ مناسبت مفهومی متن روان‌خوانی و عبارت زیر توضیح دهید.

اَلعَبدُ یُدَبِّرُ وَاللّٰهُ یُقَدِّرُ.

1. نوع ادبی متن، «داستانی (روایی)» است؛ زیرا حادثه‌ای را از زبان راوی (اول‌شخص) بازگو می‌کند و شخصیت‌ها (نویسنده، حسین و دوستان)، زمان و مکان (بامداد بهاری در باغ) و رویداد (بستن پیمان دوستی) دارد. چون خاطره‌ای از دوران شاگردی است، می‌توان آن را «خاطره‌نویسی» از ادبیات زندگی نیز دانست.
2. معنای عبارت: «بنده تدبیر می‌کند و خدا تقدیر». در متن، دوستان هر یک آرزو و نقشه‌ای برای آینده دارند، اما پیرترین دوستشان یادآور می‌شود که «زندگانی آینده دستخوش تصادف و اتفاق است... چه بسا که تقدیر ما چیز دیگر باشد»؛ یعنی انسان برنامه می‌ریزد، ولی سرنوشت را خدا رقم می‌زند. پس برای اینکه پیوند دوستی در هر تغییر روزگار برقرار بماند، پیمان می‌بندند.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

این فایل توسط سایت ایران‌توشه تهیه شده است.

irantooshe.ir